



ارتباط و هنر تمثیل ملائکه الهی بر زنان برتر جهان با تأکید بر آراء امام خمینی (ره) و انعکاس آن در نگاره‌های اسلامی

الهام سیاحی^۱، مریم بختیار^۲، فرج اله براتی^۳

^۱ گروه عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، elhamsayahi5456@yahoo.com

^۲ گروه عرفان اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، bakhtiar@iauahvaz.ac.ir

^۳ گروه عرفان، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. farajallahbarati@yahoo.com

چکیده

از مخلوقات رمزآلود و نامرئی جهان هستی، ملائکه هستند که در عالم مادی برای انسان‌ها مشهود نیستند. باتوجه به غیرمادی بودن ملائکه، چگونگی تمثیل و مشاهده آنان توسط انسان جای سؤال و پرسش است. به اعتقاد علامه طباطبایی، ملائکه در تمثیل، با حفظ ذات و حقیقت خویش در ورای صورت ادراکی، در بینایی (حس و ادراک) طرف مقابل به صورت انسان ظاهر می‌شوند. مقاله حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. این پژوهش به بررسی چگونگی ارتباط و تمثیل ملائکه با برخی انسان‌ها و محدث‌بودن انسان‌های بزرگواری چون حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه زهرا (س) و پاسخ به سؤالاتی در این زمینه طبق آیات و روایات اسلامی می‌پردازد. موضوع محدث‌بودن یک مسئله مسلم اسلامی است و محدث کسی است که در دلش به صورت الهام یا مکاشفه از عالم بالا چیزی القا شده باشد و یا اینکه بدون تصمیم قبلی سخن راستی بر زبانش جاری شود و یا بدون آنکه به مقام نبوت رسیده باشد ملائکه با او سخن می‌گویند و این کرامتی است که خدا به هر یک از بندگانیش که بخواهد عطا می‌فرماید.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی چگونگی تمثیل ملائکه و محدث‌بودن زنان برتر با تکیه بر آراء امام خمینی (ره).

۲. بررسی چگونگی هنر تمثیل ملائکه الهی در نگاره‌های اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. تمثیل ملائکه بر زنان برتر جهان با تکیه بر آراء امام خمینی (ره) چگونه است؟

۲. هنر تمثیل ملائکه الهی در نگاره‌های اسلامی چگونه است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۴۰۵ الی ۴۲۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

ملائکه،

تمثیل،

تحديث،

حضرت مریم،

حضرت فاطمه.

ارجاع به این مقاله

سیاحی، الهام، بختیار، مریم، & براتی، فرج الله. (۱۴۰۲). ارتباط و هنر تمثیل ملائکه الهی بر زنان برتر جهان با تأکید بر آراء امام خمینی (ره) و انعکاس آن در نگاره های اسلامی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۴۰۵-۴۲۱



dorl.net/dor/20.1001.1.*
***** ***/



dx.doi.org/10.22034/IAS
۲۰۲۱.۲۶۲۹۵۹.۱۴۸۱

مقدمه

«ستایش خاص خداوندی است که آفریننده آسمان‌ها و زمین است؛ خداوندی که فرشتگان را رسولانی قرار داد که صاحب بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند، او هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید و او بر هر چیزی قادر است» (سوره فاطر: ۱). در جهان هستی، ملائکه همچون سایر موجودات آفرینش در پیدایش و بقا خود به خداوند نیازمندند و در هر جایگاهی که هستند، مشغول تسبیح و تقدیس خداوند و تابع دستورات اویند و در ارتباط با انسان، خداوند مسئولیت‌هایی همچون رساندن وحی الهی، تقسیم ارزاق، گرفتن جان‌ها، محافظت و پاسداری از انسان در مقابل حوادث و مهالکی که از سوی شیاطین جنّی و دیگر موجودات بر انسان تحمیل می‌شود، برعهده آن‌ها گذاشته است. سؤالی که در ارتباط با ملائکه مطرح می‌شود این است که، آیا ارتباط بین انسان و ملائکه وجود دارد؟ آیا امکان تحقق این ارتباط برای همه انسان‌ها میسر است؟ معنای تحدیث و گفت‌وگوی ملائکه چیست؟ شکل این گفت‌وگو چگونه بوده است؟ آیا گفت‌وگوی ملائکه با غیر پیامبران امکان‌پذیر است؟ گفت‌وگوی ملائکه با حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه (س) چگونه بوده است؟ محتوای این گفت‌وگوها چه بوده است؟ شبهات این موضوع و پاسخ به آن‌ها چگونه است؟

در مقاله حاضر، سعی شده براساس دلایل نقلی که مؤید عقل است؛ به تمام سؤالات مطرح‌شده بالا پاسخ داده شود. وقتی به آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) و بزرگان دین مراجعه می‌کنیم؛ می‌بینیم که بین ملائکه و انسان ارتباط وجود دارد و در برخی موارد از جمله امور ضروری می‌باشد. اصل قبول دین بر این اساس است که فرشته وحی بر انسانی به‌عنوان پیامبر نازل شده است؛ با او ارتباط داشته است و آیات خداوند متعال و دستوراتش را بر او نازل کرده است. همان‌گونه که خداوند متعال در مورد نحوه ارتباطش با انسان به این واسطه‌گری ملائکه اشاره می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ عَلِيِّ حَكِيمٌ» (شوری: ۵۱). «و هیچ بشری را یارای آن نباشد که خدا با او سخن گوید مگر به وحی (الهام خدا) یا از پس پرده غیب عالم (حجاب ملکوت جهان) یا رسولی (از فرشتگان عالم بالا) فرستد تا به امر خدا هر چه او خواهد وحی کند، که او خدای بلندمرتبه حکیم است». رابطه بین ملائکه و انسان‌ها، یک ارتباط ضروری و غیرقابل انکار است، از این جهت که ملائکه مأمورین خدای متعال در اداره عالم می‌باشند: «فَالْمُدَبِّرَاتِ أُمْرًا» (نازعات: ۵) و آن‌ها که امور را تدبیر می‌کنند». و انسان هم جزئی از این عالم هستی می‌تواند با دوری از گناه و انجام اعمال صالحه خود را به مرتبه‌ای برساند که شأنیت ارتباط و مشاهده ملائکه را پیدا کند؛ لکن ارتباط به‌صورت نزول وحی و برخی ارتباطات خاص دیگر، مخصوص انبیاء بوده و هیچ‌کس غیر از آن‌ها چنین ارتباطی نمی‌تواند با ملائکه داشته باشد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. این مقاله با رویکرد قرآنی-عرفانی برگرفته شده از رساله دکتری، به تمثیل و ارتباط ملائکه الهی با برخی انسان‌ها و محدثه‌بودن زنان بزرگواری چون حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه (س) می‌پردازد. درواقع با بازخوانی اندیشه‌های پژوهشگران

اسلامی در مورد این مسئله، می‌توان زمینه گفت‌وگوی فلسفی، دینی و عرفانی را میان اندیشه اسلامی و دیگر ادیان ابراهیمی فراهم آورد و از این طریق، نقش بیشتری در پیشرفت علمی جهان را برعهده گرفت.

۱. تمثّل ملائکه

یکی از پرسش‌های اساسی درباره ملائکه که از دیرباز پژوهشگران اسلامی را به خود مشغول داشته، وجود غیرجسمانی ملائکه و تمثّل آن‌ها به شکل انسان است. «تمثّل مصدر باب تفعّل از ریشه «م ث ل» و در لغت به معنای متصورشدن چیزی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۶). در اصطلاح، متصورشدن حقیقتی برای انسان به‌صورتی خاص، مأنوس و هماهنگ با غرضی که تمثّل برای آن حاصل می‌شود، بنابراین دگرگونی فرشته به شکل انسان در اصطلاح فلسفی کون و فساد و نوعی انقلاب ماهیت محسوب می‌شود و انقلاب ماهیت ملکوتی به ماهیت انسانی از نظر عقل محال است و به تناقض می‌انجامد؛ از آنجاکه خداوند متعال امر محال انجام نمی‌دهد، در آیه ۹ سوره انعام می‌فرماید: «وَكُوْجَعَلْنَاهُ مَلَكًا لِّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُوْنَ»؛ آیه شریفه در پاسخ درخواست مشرکان مبنی بر بعثت پیامبری از جنس ملائکه در میان آنان نازل شد. از آنجاکه علامه، انقلاب ماهیت را محال می‌دانست، تغییر شکل فرشته به شکل انسان را به‌طور تمثّل به‌صورت انسان دانسته است، با این بیان که براساس آیه، اگر قرار باشد فرشته نازل شود به ناچار باید به‌صورت مردی ظاهر گردد و این تغییر شکل به‌طور انقلاب ماهیت ملکوتی به ماهیت بشری، که امری محال است، نخواهد بود، بلکه به‌طور تمثّل به‌صورت انسانی خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۷ق: ۲۳). برخی محدثان، تمثّل فرشته به شکل انسان را، دگرگونی فرشته به شکل انسان معنا کرده‌اند. همان‌گونه که اعمال و اعتقادات انسان در آخرت به‌صورت نعمت‌های بهشتی تجسم می‌یابد، در تمثّل نیز فرشته حقیقتاً به شکل انسان تجسم می‌یابد، نه اینکه خیال و گمان و مانند خواب باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۳۹).

امام خمینی (س) در بیان حقیقت ملائکه معتقد است ملائکه موجوداتی هستند که مجرد از ماده و عوارض آن هستند و معتقد است کسانی که به جسمانی و مادی بودن ملائکه قائل هستند از آن جهت است که تجرد آن را با حدوث زمانی عالم و فاعل مختار بودن حق تعالی، ناسازگار می‌دانستند، درحالی که قول به جسمانی و مادی بودن ملائکه منافای با بسیاری از معارف و عقاید صحیح است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۸-۳۳۹) و انکار ملائکه و عقول جبروتی مستلزم انکار بسیاری از ضروریات عقل و دین است که از جمله آن، تصور اشراف از واجب تعالی در نظام وجود و تحدید و جسمیت برای حق تعالی و راه یافتن جهل و عجز در ذات حق تعالی است (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۲). امام خمینی (س) پر و بال داشتن ملائکه در برخی آیات الهی را مربوط به ملائکه برزخی می‌داند ولی ملائکه مقرب از این امر، منزّه و مبرا می‌باشند و به‌واسطه احاطه تام و قیومیتی که دارند، می‌توانند در هر یک از عوالم به هیئت و صورت آن عالم متمثل شوند. نظیر جبرئیل که به صورت‌های مختلف از جمله تمثّل ملکوتی و تجسد ملکی متمثل می‌شد (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۴۱۴). به اعتقاد حضرت امام نزول و صعود ملائکه به‌دلیل منزّه بودن از خواص

جسم و ماده به معنای تجافی از مقامشان نمی‌باشد بلکه تنزل به نحوه تمثّل است، چنانکه تنزل جبرئیل بر حضرت مریم از باب تمثّل بوده است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ۳۴۲).

برخی آیات قرآن به تمثّل ملائکه به شکل انسان اشاره دارد؛ از جمله: ظهور ملائکه بر حضرت ابراهیم (ع) و بشارت وی به ولادت اسحاق و یعقوب (هود: ۷۱)، نزول و تمثّل ملائکه به شکل جوانان زیبا بر حضرت لوط (هود: ۷۸؛ حجر: ۶۸)، ملائکه نازل شده بر حضرت داود (ع) برای رفع خصومت (صاد: ۲۱) و تمثّل جبرئیل بر حضرت مریم (مریم: ۱۷). و نیز تمثّل جبرئیل به شکل دحیه کلبی بر حضرت پیامبر (ص) را نیز می‌توان از این قسم به حساب آورد؛ چنان‌که آن حضرت فرمود: «و گاه فرشته به صورت مردی برایم تمثّل می‌یابد و با من سخن می‌گوید و من آنچه می‌گویم حفظ می‌کنم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۴۱). به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین راه برای پی‌بردن به چگونگی تمثّل، بررسی نمونه‌هایی از تمثّل است که در آیات نورانی قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) و یا در خواب‌های راستین گزارش شده است. از بررسی نمونه‌های یادشده به این نتیجه می‌رسیم که تمثّل ملک و جن یا به شکل انسانی مشخص و معین که وجود خارجی دارد، صورت می‌گرفت؛ مانند «تمثّل جبرئیل در شکل دحیه کلبی هنگام وحی بر رسول خدا (ص) و تمثّل شیطان در شکل سراقه بن مالک در جنگ بدر» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۸). البته از میان آیات قرآن کریم تنها آیه‌ای که به تمثّل فرشته به شکل انسان تصریح دارد، آیه هفدهم سوره مبارکه مریم است که خداوند متعال پس از بیان کناره‌گیری حضرت مریم (س) از خانواده‌اش به مکان شرقی (بیت المقدس) می‌فرماید: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (مریم: ۱۷)؛ و [حضرت مریم] میان خود و آنان پرده‌ای گرفت، پس ما روح خود (جبرئیل) را بدو فرستادیم و برای او چون آدمی درست اندام نمایان گشت». آیه شریفه، درباره داستان حمل اعجازگونه مریم (س) است. هنگامی که او از اهل خود دور شد و خلوتگاهی برای اعتکاف و عبادت برگزید، جبرئیل (س) در قالب انسان بی‌عیب و نقص بر وی تمثّل یافت تا حضرت عیسی (ع) را به وی ببخشد.

در تمثّل، فرشته به شکلی ظهور می‌یابد که انسان با آن انس و الفت می‌یابد و ظهورش سازگار با هدف و غرضی است که بدان سبب تمثّل نموده است؛ مثلاً ظهور و تمثّل جبرئیل برای مریم (س) به شکل بشری کامل، بدین سبب بود که آنچه بشر با آن از رسالت انس و الفت دارد، این است که شخص رسول، رسالت خود را از فرستنده گرفته، نزد مرسلّ الیه بیاید و با تکلم و گفت‌وگو پیامش را ادا کند. همچنین، در ظهور و تمثّل دنیا برای حضرت علی (ع) به صورت زنی زیبا و فریبا بدین سبب بود که دختر بسیار زیبا در باب لذت نفسانی، بیش از هر چیز دیگری در فریفتن دل و غلبه بر عقل تأثیرگذار است (طباطبایی، ۱۳۹۷ق: ۴۰). آنچه دریافت می‌شود این است که تمثّل مراتب مختلفی دارد: در پایین‌ترین مرتبه آن ملک در بینایی (حس و ادراک) طرف مقابل تصرف کرده، به صورت انسان، قابل مشاهده می‌شود؛ ولی در بالاترین مرتبه آن که وحی رسالی یا یکی از اقسام وحی رسالی است، ملک در حس و ادراک پیامبر تصرف کرده، آن را از کار می‌اندازد، حالتی شبیه بیهوشی است (همان: ۲۴). مثلاً پیامبر اکرم (ص) با دیده، گوش و دل فرشته را مشاهده و وحی را دریافت می‌کرد. آیات سوره نجم آگاهی حضرت محمد (ص) به حقایق قرآنی را از راه

دیده دل بیان کرده و می‌فرماید: «فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ - مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ - لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ (نجم: ۱۹، ۱۲ - ۱۱)؛ آن‌گاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند، وحی فرمود. آنچه را دل دید انکارش نکرد... به‌راستی که [برخی] از آیات بزرگ پروردگار خود را بدید». درواقع خداوند می‌تولند به انبیا چنان قدرتی بدهد که بتوانند فرشته را به شکل واقعی ببینند؛ چنان‌که براساس روایات شیعه و اهل سنت حضرت پیامبر(ص) دو مرتبه جبرئیل را به شکل واقعی‌اش مشاهده فرمود.

مطلب دیگری که علامه به آن اشاره می‌کند این است که بسیاری از انبیاء و افراد برجسته، فرشته و یا شیطان را هم می‌بینند و هم می‌شناسند، همچنان‌که قرآن کریم از آدم و ابراهیم و لوط حکایت کرده است و این خود بهترین دلیل است بر اینکه آن انبیا احتیاجی به نشانه و ممیز ندارند و اما در آن مواردی که صدایی می‌شنوند و صاحب صدا را نمی‌بینند، احتیاج به ممیز دارند؛ همان‌طور که سایر مؤمنین بدان نیازمندند و آن ممیز هم باید بالأخره به وحی منتهی گردد (طباطبایی، ۱۳۹۷ق: ۵۲). از نظر علامه مجلسی، فرشته دارای دو صورت است یکی حقیقت صورت او و دوم قائم مقام حقیقت صورت اوست. حقیقت صورت فرشته تنها منحصر به مقام نبوت است و آن را به جز انبیاء شخص دیگری نمی‌تواند ببیند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۵۸). انسان هم باتوجه به ماهیت و دو بُعد مادی و معنوی، هم می‌تواند با عالم ماده و هم با عالم ملکوت ارتباط داشته باشد. با این حال، باید توجه داشت که معنای این امر الزاماً امکان ارتباط برای همه انسان‌ها نیست؛ بلکه این امکان برای انسان‌هایی است که با تلاش اختیاری، موجب تکامل روح خود شده، زمینه ارتباط با ملائکه را فراهم می‌نمایند. از نظر عقلی، به‌دلیل نوع خلقت و بُعد روحی وجود انسان که مجرد و ملکوتی و هم‌سنخ ملائکه است، این ارتباط ممکن می‌شود. از نظر نقلی نیز، آیات مربوط به گفت‌وگوی مریم و ساره با ملائکه و... روایات گفت‌وگوی ملائکه با حضرت زهرا (س) و ائمه اطهار (علیهم السلام) و... روایات مربوط به تمثیل ملائکه برای انسان‌های غیر معصوم نیز این مسئله را اثبات می‌کنند.

۲. تحدیث و گفت‌وگو با ملائکه و انعکاس آن در نگاره‌های اسلامی

وحی به‌عنوان نوعی گفت‌وگوی مرموز، ازجمله امتیازات انبیاء است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا غیرنبی نیز می‌تواند مخاطب ملائکه واقع شود و کلام وی را بشنود؟ به عبارت دیگر، آیا غیر نبی هم می‌تواند محدث باشد؟ جناب عباس قمی محدث را این‌چنین تعریف کرده است: «محدث کسی است که پندار و گمانش صادق باشد یا به او الهام می‌شود؛ آن کسی که در دلش به‌صورت الهام یا مکاشفه از عالم بالا چیزی القا شده باشد و یا اینکه بدون تصمیم قبلی سخن راستی بر زبانش جاری شود و یا بدون آنکه به مقام نبوت رسیده باشد، ملائکه با او سخن گویند، این کرامتی است که خدا به هریک از بندگان که بخواهد، عطا می‌فرماید» (قمی، ۱۳۷۶: ۵۰۷). درواقع هر کلامی که از طریق شنیدن یا وحی در خواب و بیداری به انسان برسد، به آن حدیث گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۵). همچنین تحدیث را به معنی نقل خبر، چه کم و چه زیاد، دانسته‌اند و در موارد بسیاری نیز واژه «حدیث» که اسم است، جانشین مصدرش یعنی تحدیث می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۰ق: ۱۳۳). از امام صادق(ع) درباره رسول و نبی و

محدث سؤال شد، فرمود: رسول کسی است که ملائکه بر او نازل می‌شود و از سوی خداوند به او وحی ابلاغ می‌کند و نبی کسی است که در خواب، وحی می‌پذیرد و آنچه می‌بیند مطابق واقع است، و محدث کسی است که کلام ملائکه را می‌شنود و در گوش او قرار می‌گیرد و قلبش آگاه می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۴).

براساس آیات و روایات متعدد، متکلمان شیعه بر این اعتقادند که آنچه بر رسول و نبی القا می‌شود، وحی نام می‌گیرد و وحی را به کلام پنهانی تفسیر می‌کنند. گاه به آنچه قصد فهماندن مخاطب خاصی به صورت پنهان از دیگران باشد، نیز وحی می‌گویند، و هنگامی که وحی به خداوند نسبت داده شود و از نوع کلام باشد، در اصطلاح آن را مختص رسولان الهی می‌دانند (همان: ۸۳). اما در مواردی نیز مطالبی را غیر از نبی و رسول، از اسرار غیب دریافت‌اند که پنهان از دیگران بوده، همچنان که مادر موسی (ع) مخاطب وحی الهی قرار گرفت: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْتَقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (قصص: ۷) و به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بده، پس هنگامی که [از سوی فرعونیان] بر او بررسی به دریایش انداز، و مترس و غمگین مباش که ما حتماً او را به تو بازمی‌گردانیم، و او را از پیامبران قرار می‌دهیم». به اتفاق مسلمین، وحی به او به صورت رؤیایی در خواب بود که این فرمان الهی را دریافت‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۸۳). همچنان که وحی به زنبور عسل: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ» (نحل: ۶۸) و خدایت به زنبور عسل وحی کرد که از کوه‌ها و درختان و سقف‌های رفیع، منزل گیر». نیز از جنس کلام بشری نبوده و نوعی الهام پنهانی بدون وجود تکلم و گفت‌وگو بوده است (مفید، ۱۴۱۴ ق: ۱۲۰). بر این اساس، شیخ مفید تصریح می‌کند که اگرچه عقل، نزول وحی بر غیر پیامبر را محال نمی‌داند، اجماع مسلمین بر این است که پس از پیامبر خاتم (ص)، وحی به معنای اصلی آن بر کسی نازل نخواهد شد؛ هیچ اختلافی بین امامی مذهب‌ان در این نکته وجود ندارد (همان: ۱۲۵).

دومین سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا محدثان به شیوه خاصی مخاطب گفت‌وگوی ملائکه قرار می‌گیرند، یا شکل‌های مختلفی از تحدیث وجود دارد؟ طبق روایات رسیده از اهل بیت (علیهم السلام) شیوه‌های تحدیث این‌گونه بیان شده است:

۱- ریختن در گوش: «يُبْعَثُ اللَّهُ مَلَكَ يُوقِرُ فِي أُذُنِهِ» (صفارقمی، ۱۴۰۴ ق: ۳۴۳)؛ خداوند ملائکه‌ای را می‌فرستد که در گوش او بریزد و ثابت کند؛ یعنی محدث، کلمات را می‌شنوند و آن‌ها را در می‌یابد.

۲- نجوا در گوش: «يُنَكِّتُ فِي أُذُنِهِ فَيَسْمَعُ طَنِينًا كَطَنِينِ الطَّسْتِ» (همان: ۳۴۴)؛ نجوایی در گوش می‌شنود همچون صدای [ریختن آب در] طشت مسی».

۳- شنیدن کلام ملائکه: در روایات بسیاری به صراحت بیان شده که محدث، کلام ملائکه را بدون دیدن او می‌شنود. این نحوه تحدث در بین روایات بیشتر از دیگر شیوه‌هاست (همان).

۴- الهام قلبی همراه با شنیدن صدا: «تصریح علی قلبه فیسمع وقعا کوقع السلسله علی الطست (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۳)؛ برای قلب او کشف می‌شود، پس صدایی همچون صدای برخورد زنجیر بر طشت مسی را می‌شنود». درواقع این نوع تحدیث و گفت‌وگوی ملائکه با محدث، نوعی الهام قلبی به‌همراه زمزمه کلامی است.

سؤالی به ذهن می‌رسد که چگونه محدث درمی‌یابد که صدایی را می‌شنود و یا الهامی که به قلب او خطور می‌کند و یا هرگونه دیگر از تحدیث، گفتار ملائکه با اوست؟ ائمه (علیهم السلام) در پاسخ به آن می‌فرمایند: «لَئِنْ یُعْطِ السَّکِیْنَةُ وَ الْوَقَارَ حَتَّى یَعْلَمَ أَنَّهُ مَلَكٌ (همان: ۶۸) به او اطمینان قلبی [بدون تزلزل و شک] و حالتی داده می‌شود که یقین پیدا می‌کند که او مخاطب وحی و ملائکه است». در این روایت، ظاهراً اشاره به حصول علم حضوری برای شخص محدث دارد. بدیهی است که علم حضوری و شهودی امکان خطا را برنمی‌تابد.

در آموزه‌های دینی، در میان معصومین، ارتباط پیامبران (علیهم السلام) با ملائکه و جبرئیل امری مسلم است؛ ولی نسبت به امامان باید از روایات استفاده کرد. مثلاً امام علی (ع) جبرئیل را به دفعات به‌صورت «حیه کلی» در نزد پیامبر (ص) مشاهده فرمود (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۷۰).

در پاسخ به سؤالاتی که در ابتدای مبحث در مورد محدث بودن مطرح شد، مواردی در آیات و روایات اسلامی وجود دارد که دلالت بر امکان وقوع این امر و از تحقق ارتباط یا مشاهده افرادی با ملائکه حکایت می‌کند که پیامبر و امام نبودند، ازجمله:

۱- ذوالقرنین: از حضرت علی (ع) درباره ذوالقرنین پرسیدند که آیا پیامبر بود؟ و آن حضرت فرمود نه، و لکن بنده‌ای بود که خدا را دوست می‌داشت، پس خدا هم او را دوست می‌داشت و از خدا راهنمایی خواست پس خدا هم او را راهنمایی کرد، پس محدث همچون اوست (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۳).

۲- آصف بن برخیا: در برخی از روایات در کنار نام دیگر محدثان امتهای گذشته، با عنوان صاحب سلیمان، به آصف بن برخیا اشاره شده است. او پیامبر نبوده، لکن به حکایت قرآن کریم، کارهای خارق‌العاده‌ای انجام داد که در قرآن، منشأ آن علم او به کتاب ذکر شده است. «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَازِيدُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» (نمل: ۴۰)؛ کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را پیش از آنکه پلک دیده‌ات به‌هم بخورد، نزد تو می‌آورم. [و آن را در همان لحظه آورد]. پس هنگامی که سلیمان تخت را نزد خود پابرجا دید، گفت: این از فضل و احسان پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاس‌گزارم یا بنده‌ای ناسپاسم؟ و هر کس که سپاس‌گزاری کند، به سود خود سپاس‌گزاری می‌کند و هر کس ناسپاسی ورزد، ازینانی به خدا نمی‌رساند؛ زیرا پروردگارم بی‌نیاز و کریم است».

۳- حضرت خضر (ع): در روایاتی، خضر در شمار محدثان آمده است و طبق روایات، حضرت خضر مثل حضرت عیسی (ع) زنده است. در قرآن کریم، ماجرای دیدار و همراهی او با حضرت موسی نقل شده است. «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف: ۶۵)؛ در آنجا بنده‌ای از بندگان خاص ما را یافتند که او را رحمت و لطف خاصی از نزد خود عطا کردیم و وی را علم (لدنی و اسرار غیب الهی) آموختیم. چه آنکه در کتاب‌های شیعه احادیث و روایاتی درباره حضور خضر نزد حضرت محمد (ص) و امامان (علیهم السلام) نیز نقل شده است. در اینکه آیا حضرت خضر (ع) پیامبری از پیامبران یا بنده‌ای از بندگان صالح خدا بوده، بحث و گفت‌وگوست، که مطرح کردن این بحث خارج از هدف این مقال است.

۴- ساره (س): ساره، همسر حضرت ابراهیم (ع) از افرادی است که نه پیامبر بوده و نه امام، اما با این وجود به گفت‌وگو با ملائکه پرداخته است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَأَمْرًا لَهُ قَائِمَةٌ فَصَحَّكَ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ - قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ - قَالُوا أَنْعَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (هود: ۷۳-۷۱) و همسرش ایستاده بود، [از خوشحالی] خندید پس او را بشارت به اسحاق، و بعد از او یعقوب دادیم. او گفت: «وای بر من! آیا من فرزند می‌آورم؛ درحالی که پیرزنم، و شوهرم نیز پیرمردی است؟! این راستی چیز عجیبی است! [فرشتگان] گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است چرا که او ستوده و والا است».

۵- ابوذر: در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: رسول خدا (ص) به ابوذر فرمود: «ای ابوذر! چرا از کنار ما رد شدی و به ما سلام نکردی؟! گفت: گمان کردم دحیه کلبی برای کاری شخصی با شما خلوت کرده و نخواستم مزاحم شوم. فرمود: «ای ابوذر! او جبرئیل بود و گفت: اگر ابوذر به ما سلام کرده بود جوابش را می‌دادیم»، پس همین که ابوذر دانست که او جبرئیل بوده، خدا می‌داند که چه اندازه پشیمان شد [و افسوس خورد] که چرا بر او سلام نکرد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۸۷).

۶- ام‌سلمه (س): یک بار که ام‌سلمه همسر پیامبر (ص) نزد ایشان بود، جبرئیل بر حضرتشان نازل شد؛ اما ام‌سلمه پنداشت که او دحیه کلبی است (بخاری، ۱۴۰۱ق: ۹۶).

۷- سامری: براساس آیات ۹۵-۹۶ سوره طه؛ وقتی حضرت موسی (ع) درباره علت ساختن بت گوساله طلایی از سامری سؤال می‌کند، او به مشاهده ملکی اشاره می‌کند. در برخی تفاسیر نقل شده است: سامری جبرئیل را بر روی حیوانی شبیه اسب مشاهده کرد و از هر موضع سم آن حیوان، در حال حرکت خاک برداشت و آن را تبدیل به گوساله کرد (قمی، ۱۳۷۶: ۶۲). همچنین مردم سرزمین بابل با دو فرشته هاروت و ماروت به گفت‌وگو پرداختند (بقره: ۱۰۲). قوم لوط نیز ملائکه‌ای را دیده و نیت بدی نسبت به آن‌ها داشتند (قمر: ۳۷). مسلمانان نیز در جنگ بدر، ملائکه‌ای را دیدند که به کمکشان آمده بودند (آل عمران: ۱۲۴ - ۱۲۳).

۸- مریم بنت عمران (س): در قرآن کریم نام حضرت مریم (س) ۳۴ بار ذکر شده است (قرشی، ۱۳۷۴: ۲۵۲) و در قرآن کریم بارها از این بانوی بزرگ سخن به میان آمده و سوره‌ای به نام او وجود دارد که جزئیات تولد وی و فرزندش حضرت مسیح (ع) در آن بیان شده است. حضرت مریم (س) در خانواده‌ای چشم به دنیا گشود که دارای مقام شامخ نبوت بودند و مورد تکریم و احترام مردم زمان خویش بودند، آنجا که مردم خطاب به او می‌گویند: «يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَلَنْتِ لُكِ بَغِيًّا» (مریم: ۲۸)؛ ای خواهر هارون پدر تو انسان بدی نبود و مادرت هم بدکاره نبود». که این تصریح قرآن کریم به طهارت و شایستگی خانواده مریم است.

مریم (س) نماد جاویدان نیایش و دعاست و شکوفه‌های عبودیت بر شاخسار وجود او شکوفا شده و اجابت دعایش، بر صحیفه هستی او را در زمره «قانتین» و «راکعین» قرار می‌دهد. عظمت این پاک بانوی محراب به این‌گونه است که خداوند متعال سوره‌ای به نامش و در وصف مقام والای او بر گستره هستی فرود می‌آورد و او را برترین زنان جهان زمان خود معرفی می‌کند و او و فرزند مسیحش را به‌عنوان آیه و نشانه و اسوه‌ای برای مؤمنان معرفی می‌کند: «وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۹۱) و به‌عنوان یکی از بانوان کامل و انسان‌های برجسته بهشتی به همراه آسیه، خدیجه (س) و حضرت فاطمه (س) شناخته می‌شود (فرهنگ کوثر، ش ۲۲، ۱۱). تصویر شماره ۱ به گفت‌وگوی حضرت مریم و ملائک در نگاره‌های اسلامی اشاره دارد.



تصویر ۱. گفت‌وگوی حضرت مریم با جبرئیل، هنرمند نامعلوم. منتخبات مثنوی معنوی، ۱۰۱۸ ه.ق

در آیاتی از کلام‌الله مجید، سخن گفتن ملائکه با مریم (س) به صراحت بیان شده است: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ... إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران: ۴۵، ۴۳-۴۲). و لبه یاد آورید! هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. ای مریم فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما... و هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای (وجود با

عظمتی) از جانب خود که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است مژده می‌دهد، درحالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است».

در آیاتی دیگر گفت‌وگوی جبرئیل با مریم (س) نیز به تصویر کشیده شده است: «... فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا - قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا - قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (مریم: ۱۷-۱۹)». در این هنگام، ما روح خود را به‌سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد! او [سخت ترسید و] گفت: من از شرّ تو، به خدای رحمان پناه می‌برم اگر پرهیزگاری! گفت: «من فرستاده پروردگار توام [آمده‌ام] تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم»؛ بنابراین حضرت مریم (س) محدثه بود، یعنی با ملائکه گفت‌وگو می‌کرد. این گفت‌وگو کرامت خود آن بانوی بزرگوار است نه وحی و نبوت تشریعی. مریم (س) سرشار از صفات الهی بود و خداوند او را از بین فرزندان انبیا (علیهم‌السلام) برگزید؛ همچنین وی را از همه رذایل اخلاقی و اتهامات ناروا تطهیر و تنزیه کرد و آن حضرت از طهارت ظاهری و باطنی و طهارت نفسی برخوردار بود. در ارتباط با آیه کریمه «وَاصْطَفَكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (آل عمران: ۴۲)» و بر تمام زنان جهان، برتری داده است؛ آیت‌الله طباطبایی این لطف خداوند به حضرت مریم (س) را نسبی می‌داند؛ یعنی خداوند از میان زنان عالم تو را برای مادرشدن بدون همسر برگزیده است، به این معنا نیست که مریم (س) در جمیع شئون علمی و تقوایی بر جمیع زنان عالم برتری داشته باشد؛ آن‌گونه که فاطمه (س) است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۴۷).

شیخ طوسی در بحث از ظهور ملائکه بر مریم (س) می‌گوید: نزد ما شیعیان می‌تواند این امر معجزه و کرامتی برای حضرت مریم (س) باشد، اگرچه پیامبر نیست، زیرا ظهور معجزات نزد ما می‌تواند به‌دست اولیا و صالحان وجود یابد، چون این معجزات، مقدار صداقت کسی که آن‌ها را دارد، نشان می‌دهد، چه نبی یا امام یا شخصی صالح باشد (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۴۵۷).



تصویر ۲. گفت‌وگوی حضرت مریم و عیسی، قصص‌الانبیا. ۸۰-۱۵۷۰م

سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا هنگامی که قرآن کریم درباره بشارت تولد عیسی (ع) با مریم (س) سخن می‌گوید به صورت جمع می‌فرماید: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (آل عمران: ۴۵)؛ هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است؛ درحالی که در این جهان و جهان دیگر صاحب شخصیت خواهد بود و از مقربان الهی». درحالی که در آیه ۱۷ سوره مریم سخن از فرود یک ملک به میان آورده و به صورت مفرد می‌فرماید: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم: ۱۷)؛ و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح خود را به‌سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد! در جواب این سؤال و جمع بین این دو آیه شریفه دو پاسخ داده شده است:

پاسخ نخست: منظور از ملائکه در آیه نخست یک فرشته می‌باشد که همان «جبریل» است که با مریم (س) سخن گفته است، و اگر کلام «جبریل» به ملائکه نسبت داده شده است، مانند این است که کلامی را که یک نفر گفته است آن را به قوم او نسبت می‌دهند، به دلیل این که آن قوم در اخلاق، آداب، رسوم و عادات با آن شخص مشترکند. نظیر این مطلب در قرآن کریم فراوان است؛ چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ» (منافقون: ۸)، «يقولون» به معنی، می‌گویند که به‌صورت جمع آمده است، درحالی که گوینده این سخن یک نفر از منافقین می‌باشد. و نیز می‌فرماید: «وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنَّا كَانَتْ هَذِهِ حَقٌّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ» (انفال: ۳۲)؛ که گوینده این سخن نیز یک نفر است، ولی با کلمه «قالوا» به‌صورت جمع آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۴۱).

پاسخ دوم: برخی معتقدند فضای بحث در این دو سوره متفاوت است. در سوره آل عمران از بشارت و مژده‌دادن به حضرت مریم (س) سخن به میان آمده است و ملائکه می‌خواستند برگزیده‌شدن وی را به جایگاه عالی تبریک گویند، و نیز او را به پسری که نامش مسیح (عیسی بن مریم) و نشانه‌ای از طرف خداست، بشارت دهند. بسی روشن است که دارا بودن منزلت و قرب معنوی و مکانت روحی حضرت مریم (س) اقتضا می‌کرد تا تعداد زیادی از ملائکه برای تهنیت و بشارت به نزد مریم آیند تا از جایگاه رفیع و عالی آن بانوی بزرگ که با عبادت و بندگی خدا به عظمت روحی و معنوی رسیده بود قدردانی کنند و از او تجلیل نمایند. ولی در سوره مریم سخن درباره دمیدن روح و اعطاء فرزند به حضرت مریم (س) بود. لذا پروردگار سبحان این مأموریت را تنها به عهده یک فرشته، یعنی جبریل گذاشت. یعنی آنجا مژده‌دادن بود و این‌جا دمیدن روح (همان: ۵۴۲). به نظر می‌رسد، پاسخ نخست به واقع نزدیک‌تر است؛ زیرا بیشتر مفسران بر این باورند که مراد از ملائکه در آیه ۴۵ آل عمران جبریل می‌باشد و آیه ۱۷ سوره مریم را شاهد بر آن دانسته‌اند. و همان‌گونه که گفته شد این‌گونه تعبیرات در قرآن کریم و زبان عرب فراوان است و لفظ جمع در مورد یک نفر به‌طور عادی و متداول به‌کار می‌رود.

سؤال بعدی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا فرشته وحی بر حضرت مریم (س) نازل گردید و حضرت عیسی را بشارت داد؟ آیا به وسیله فرشته وحی، حضرت مریم (س) باردار شده یا با قدرت خداوند و بدون هیچ واسطه‌ای این اتفاق افتاده است؟ این مسئله در آیه ۱۷ سوره مریم ذکر شده است که در آن باید به چند نکته دقت کرد:

— منظور از روح خدا چیست؟ تقریباً همه مفسران معروف، روح را در اینجا به ملک مقرب خدا «جبرئیل» تفسیر کرده‌اند، و تعبیر «روح» از او به خاطر آن است که هم روحانی و هم وجودی حیات‌بخش است؛ چراکه حامل رسالت الهی به پیامبران است و احیاکننده همه انسان‌های لایق می‌باشد و اضافه روح در اینجا به خدا، دلیل بر عظمت و شرافت این روح است، که یکی از اقسام اضافه، اضافه تشریفیه است. تصویر شماره ۳ نیز نمایی از گفت‌وگوی مریم و ملاک را ترسیم کرده است.



تصویر ۳. نزول جبرئیل بر حضرت مریم، اثر عبدالحمید قدیریان. معاصر.

— تمثّل چیست؟ تمثّل در اصل از ماده «مثول» بمعنی ایستادن در برابر شخص یا چیزی است، و «ممثل» به چیزی می‌گویند که به صورت دیگری نمایان گردد؛ بنابراین **فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا** (مریم: ۱۷)؛ مفهومیست که آن فرشته الهی به صورت انسانی درآمد (همان: ۵۴۳). همان‌طور که در ابتدای مقاله مطرح شد، بدون شک معنی این سخن آن نیست که جبرئیل، صورتاً و سیرتاً تبدیل به یک انسان شد، چراکه چنین انقلاب و تحولی ممکن نیست بلکه منظور این است که او به صورت انسان درآمد، هرچند سیرت او همان فرشته بود، ولی مریم در ابتدای امر که خبر نداشت چنین تصور می‌کرد که در برابر او انسانی قرار گرفته است.

اگر به تفسیر زیبای مکارم شیرازی، درباره آیات قرآن کریم مرتبط با حضرت مریم (س) دقت کنیم؛ متوجه می‌شویم که مکان و زمان صحبت کردن ملائکه با حضرت مریم (س) متفاوت بوده است. در یک زمانی و یا در یک مکانی گروهی از ملائکه با حضرت مریم (س) سخن گفتند و بعد از فاصله زمانی و یا مکانی فرشته دیگر به تنهایی با آن

حضرت صحبت می کند؛ و این نوع بیان هیچ گونه تعارضی با هم ندارند. در سوره‌ی آل عمران در آیه ۴۲ و ۴۳ از دوران شکوفایی و برومندی حضرت مریم (س) سخن می گوید. و ملائکه طهارت و برگزیدگی او نسبت به تمام زنان جهان را به او بشارت داده و به شکرانه این نعمت‌های بزرگ دستوراتی به او می دهند: «ای مریم، فرمان بر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما» (آل عمران: ۴۳). این دستور از جانب خداوند توسط ملائکه موجب حضور حضرت مریم (س) در بین نمازگزاران معبد و خواندن نماز گروهی با آنان می گردد. اما در مورد حضرت مریم (س) در سوره مریم چنین بیان می شود که حضرت مریم به دنبال یافتن مکانی بودند خالی از هرگونه هیاهو برای راز و نیاز با خداوند که چیزی او را از یاد خدا غافل نکند، لذا به طرف شرق بیت المقدس نقل مکان نمود؛ زیرا مکانی آرام تر، پاک تر و مناسب تر بود: «در این کتاب از مریم یاد آر آن هنگام که از خانواده اش جدا شد و در ناحیه شرقی قرار گرفت» (مریم: ۱۶) معلوم است که این نقل مکان حضرت مریم (س) با فاصله زمانی از دستور ملائکه که در آیات سوره آل عمران بیان شد و او را دعوت به نماز و سجود و رکوع نمودند، رخ داده است. در نهایت بعد از رفتن به مکان دور، میان خود و دیگران حجابی انداختند تا خلوتگاه او از هر نظر کامل شود؛ و در آن جا بود که فرشته‌ی وحی بر او نازل گردید: «و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت. پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری بی عیب و نقص بر او نمایان شد» (مریم: ۱۷) لذا در این آیه در مقام دیگر اشاره به نزول فرشته وحی بر حضرت مریم دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۴۶-۵۴۵). پس روشن می شود که بین سخن گفتن ملائکه به طور دسته جمعی با سخن گفتن فرشته وحی با حضرت مریم فاصله زمانی و مکانی وجود داشته است و در این مسئله هیچ تعارض و تناقضی وجود ندارد.

۹- حضرت فاطمه (س): قرآن کریم، پیامبر اسلام (ص) را الگو معرفی می کند و پیامبر اسلام (ص) با بیانات گوناگون در موارد متعدد، اهل بیتش (علیهم السلام) را به عنوان الگوی امت معرفی می کند و در محور اهل بیت، فاطمه زهرا (س) قرار دارد که رسول خدا (ص) با بیان زیبایی، او را الگو و نمونه زن های عالم تا قیامت معرفی نموده است. شخصیت حضرت زهرا (س) در ابعاد مختلف زندگی به عنوان الگو و نمونه زندگی مطرح شده است و هر بعدی از زندگی آن حضرت، تجلی انوار جمال و جلال الهی است و شخصیتی است که در کم تر از بیست بهار عمر خود در دنیا، خود را به چنان مقام و عظمت رسانید که مایه مباهات خداوند در برابر ملائکه قرار گرفت. او که از کودکی، نه تنها به عنوان یک دختر نسبت به پدر، بلکه همچون مادر دلسوز از پدر در برابر اذیت های مشرکین، از مقام نبوت پاسداری و حمایت نمود تا آنکه لقب «ام ابیها» برخود گرفت و در دفاع از مقام ولایت که تداوم بخش راه نبوت و رسالت پیامبر (ص) می باشد، جان خویش را در طبق اخلاص نهاد و مقام اولین شهیده راه ولایت را به خود اختصاص داد. حضرت زهرا (س) در تربیت فرزندان با بینش الهی و نیایش های معنوی و عبادی آن قدر کوشید تا روح و روان آن ها را با عبادت و نیایش شبانه، آشنا و مانوس گردانید و آن قدر درس صبر و استقامت را با عمل به فرزندان خود آموخت، که قهرمانان صبر در سرزمین کربلا گردیدند و ملائکه های آسمان از صبر و استقامت آنان به شگفت

آمدند و در مقام عفت و حیا و حجاب، صدرنشین زنان عالم گردید و در زهد و قناعت زاهدان عالم را به شگفتی وامی داشت.

در روایات بسیاری، امامان (علیهم السلام) به عنوان محدث معرفی شده‌اند. این وصف منحصر به ایشان نیست، بلکه در روایات مؤکد حضرت فاطمه زهرا (س) نیز دارای این فضیلت شناخته شده است؛ مجموعه این گفت‌وگوها در مصحف فاطمه (س) گرد آمده و در اختیار ائمه (علیهم السلام) بوده است.

یکی از مطالبی که در رابطه با حضرت فاطمه زهرا (س) در روایات بدان اشاره شده، این است که ملائکه الهی از جمله جبریل امین (ع)، خدمت آن حضرت رسیده است؛ «یکی از این روایات از امام باقر (ع) که می فرمایند: «چون خداوند اراده کرد که مصحف فاطمه (س) را به آن حضرت بفرستد، به جبرئیل، میکائیل و اسرافیل دستور داد آن را به فاطمه (س) برسانند و این قضیه در نیمه شب جمعه اتفاق افتاد، آنان در حالی فرود آمدند که آن بانو مشغول عبادت الهی بود. پس از عرض سلام به او گفتند: خدا بر تو سلام می‌فرستد، آنگاه مصحف را به وی تحویل دادند. فاطمه (س) پس از تحویل مصحف فرمود: بر خدا باد سلام و از او سلام و برای او سلام و برای شما سفیران پروردگارم سلام» (بحرانی، ۱۳۸۷: ۱۹۰). قابل توجه است که جبرئیل، میکائیل و اسرافیل، هر سه از ملائکه مقرب به حساب می‌آیند و حامل سلام خداوند متعال، به فاطمه (س) بوده‌اند و مصحف فاطمه (س) را به ایشان می‌رسانند و با وی به گفت‌وگو می‌پردازند.

حمادبن عثمان روایت معتبری، از امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام ضمن نقل مطلبی از مصحف فاطمه (س) درباره حقیقت آن مصحف می‌فرماید: «خداوند چون رسولش را از دنیا گرفت. اندوهی فراوان که جز خدا نمی‌داند بر فاطمه (س) به سبب فوت پدرش وارد شد. پس خداوند ملائکه‌ای را به سوی او فرستاد که غمش را تسلی دهند و با او سخن بگویند. پس حضرت فاطمه (س) این قضیه را برای امیرالمؤمنین (ع) نقل کرد. پس آن حضرت فرمود: هنگامی که ملائکه را احساس کردی و صدایشان را شنیدی به من بگو. پس حضرت فاطمه (س) می‌گوید به ایشان خبر احساس ملائکه و شنیدن صدای آن‌ها را دادم. پس امیرالمؤمنین (ع) هرآنچه را می‌شنید، می‌نوشت تا آنکه مصحفی را از این گفته‌ها نگاشت» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۵۴۵).

این روایت هم، نزول ملائکه بر آن حضرت، و شنیدن صدایشان را توسط حضرت فاطمه (س) {یعنی محدثه بودن آن حضرت را} به صراحت بیان می‌کند. همچنین حضرت امام صادق (ع) در مورد نزول ملائکه به حضور فاطمه (س) و سخن گفتنشان با آن حضرت می‌فرماید: «كانت محدثة و لم تكن نبیه إِنْما سُمِّيتُ فَاطِمَةً مُّحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ (همان: ۷۸)؛ فاطمه (س) دختر رسول خدا محدثه بود، ولی پیامبر نبود. او را از این جهت محدثه نامیده‌اند که ملائکه از آسمان بر او نازل می‌شدند و با وی مصاحبه می‌کردند و سخن می‌گفتند، همان‌طوری که با مریم (س) دختر عمران چنین بودند»؛ بنابراین محدث کسی است که به او الهام می‌شود؛ و دائماً با غیب در ارتباط بوده و بدون آنکه به مقام نبوت رسیده باشد، ملائکه با او سخن گویند. در زیارت

نامه حضرت زهرا(س) می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِیْمَةُ، سلام بر تو ای هم سخن با ملائکه و بسیار دانا». این حکایت از آن دارد که حضرت زهرا (س) همیشه مورد خطاب ملائکه بوده‌اند. طبق فرمایش امام صادق(ع): فاطمه (س) بعد از رسول الله (ص) هفتاد و پنج روز در این دنیا زنده بودند و حزن و شدت بر ایشان غلبه داشت و جبرئیل امین می‌آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می‌کرد و مسائلی از آینده به ایشان نقل می‌کرد» (کلینی، ۱۳۸۷: ۳۵۵). به نظرم ظاهر این روایت، هرچند قاصر از نظر دادن نسبت به این مسئله هستیم، این است که در این هفتاد و پنج روز، مراوده‌ای بوده است؛ یعنی رفت‌وآمد جبرئیل زیاد بوده است و گمان ندارم که به غیر از انبیاء بزرگوار درباره کسی این‌طور بیان شده باشد که به این مدت زمان، جبرئیل امین، رفت‌وآمد داشته است و آنچه را که در آینده اتفاق خواهد افتاد و آنچه که به ذریه پاکش می‌رسیده است مسائل را ذکر کرده باشد. البته ارتباط حضرت فاطمه (س) با ملائکه مختص این دوران نبوده و در زمان حیات پیامبر (ص) چنین رابطه‌ای وجود داشته است.

از ام‌سلمه نقل می‌کنند که: هنگام عروسی فاطمه (س) از او مقداری عطر خواستم ایشان ماده بسیار خوشبویی به من داده و گفتند که از میان لباس دحیه افتاده و دحیه گفته که آن را بردارد. سپس رسول خدا (ص) فرمود: «آن شخص، جبرئیل بوده و آن ماده خوشبو، عنبری است که از میان بال‌های او افتاده است (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۴۱). شیخ صدوق روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ملائکه به فاطمه (س) می‌گفتند: «ای فاطمه! همانا خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهان برگزید؛ ای فاطمه! فرمانبر پروردگار خویش باش و سجده کن و با رکوع‌کنندگان رکوع نما؛ پس او با ملائکه صحبت می‌کند و آن‌ها با او حدیث می‌گویند. پس یک شب به آن‌ها گفت: آیا زنِ برتری داده شده بر زنان جهان، مریم دختر عمران نیست؟! پس آن‌ها گفتند: نه، همانا مریم برترین زن‌های جهان زمان خود بود و خداوند تو را برترین زن‌های جهان خود و جهان او و برترین زنان از اول تا آخر جهان قرار داده است. (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۸۲).

از سلمان فارسی نقل شده که: «در خانه حضرت زهرا (س) بودم، دیدم که فاطمه (س) نشسته، آسیابی پیش روی اوست و به وسیله آن مقداری جو را آرد می‌کند و عمود آسیاب خون‌آلود شده بود و حسین (ع) که در آن هنگام کودکی شیر خوار بود در یک جانب خانه بر اثر گرسنگی به شدت گریه می‌کند، عرض کردم: ای دختر رسول خدا (ص)! چندان خود را به زحمت نینداز و اینک این فضا کنیز شما است و در خدمت حاضر است، فرمود: رسول خدا (ص) به من سفارش نمود که کارهای خانه را یک روز من انجام دهم و روز دیگر فضا انجام دهند، دیروز نوبت فضا بود و امروز نوبت من است. سلمان گوید: عرض کردم من بنده آزاد شده شما هستم، من حاضر به خدمت، یا آسیاب کردن جو را به عهده من بگذارید و یا پرستاری از حسین (ع) را. فرمود: تو آسیاب کردن را به عهده بگیر. من هم مقداری از جو را آسیاب کردم، ناگهان ندای نماز شنیدم، به مسجد رفتم و نماز را با رسول خدا (ص) خواندم و پس از نماز، جریان را به علی (ع) گفتم، آن حضرت گریان برخاست و به خانه رفت و سپس دیدیم خندان برگشت. رسول خدا(ص) از علت خنده او پرسید، عرض کرد: نزد فاطمه (س) رفتم، دیدم فاطمه (س) به پشت خوابیده و

حسین(ع) روی سینه‌اش به خواب رفته است و آسیاب در پیش روی او بی آنکه دستی آن را بگردانند، خود به خود می‌گردد. رسول خدا (ص) خندید و فرمود: «یا علی! «اما علمت ان لله ملائکه سیاره فی الارض یخدمون محمدا و آل محمد الی ان تقوم الساعه؛ آیا نمی‌دانی که برای خدا فرشتگانی است که در زمین گردش می‌کنند، تا به محمد و آل محمد (ص) خدمت کنند، و این خدمت آن‌ها تا روز قیامت ادامه دارد» (قمی، ۱۳۷۶: ۳۹۵).

حضرت امام صادق (ع) در توصیف مقام حضرت زهرا (س) می‌فرماید: که نور فاطمه (س) قبل از خلقت آسمان و زمین بوده است و عالم ملائکه بعد از این مرحله خلق شده است و ملائکه خدمتگزار حضرت زهرا (س) بوده‌اند (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۸۵). حضرت فاطمه (س) در تمام ابعاد زندگی آن چنان، خداگونه قدم گذاشت تا انوار جلال و تجلیات جمال ذات احدیت در آینه جاننش انعکاس یافت و مقام والای عصمت را از خداوند با نزول آیه تطهیر دریافت نمود، و اطاعت از خدا را آنچنان عجین زندگی خود نمود تا به مقامی رسید که رضای او، رضای پیامبر و رضای خدا و غضب او، غضب پیامبر و خشم و غضب خدا گردید.

نتیجه‌گیری

ملائکه موجوداتی غیر محسوس‌اند و تنها راه شناخت این دسته از خلائق و پی‌بردن به اعمال و افعالشان، چنگ‌زدن به دامن ثقلین یعنی قرآن و عترت اهل بیت پیامبر اکرم (ص) است. تحدیث به معنای الهام ملائکه بر اشخاص، امری ممکن است و باتوجه‌به این‌که انسان دارای دو بُعد روحی و جسمی است، پس او می‌تواند با ملائکه ارتباط برقرار کند؛ اما این امر الزاماً به معنای تحقق این ارتباط برای همه انسان‌ها نیست. ارتباط به‌صورت نزول وحی و برخی ارتباطات خاص دیگر، مخصوص انبیاء بوده و هیچ‌کس غیر از آن‌ها چنین ارتباطی نمی‌تواند با ملائکه داشته باشد. البته هر انسانی می‌تواند به‌عنوان اشرف مخلوقات و جزء مهم این عالم هستی، به شرط دوری از گناهان صغیره و کبیره و انجام اعمال صالحه، خود را به مرتبه‌ای برساند که شأنیت ارتباط و مشاهده ملائکه را پیدا کند. همان‌طور که براساس آیات قرآن کریم و نیز روایات ذکر شده در این مقال، برای غیر پیامبران نیز واقع شده است. از جمله حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه (س)، به‌طور خاص؛ محدّثه معرفی شده‌اند. بدیهی است که باتوجه‌به اینکه خداوند به تصریح آیات قرآنی از دانش بی‌نهایت خود به بندگان هم افاضه می‌کند، لذا مانعی از تصدیق این روایات وجود ندارد. از سوی دیگر، الهام و محتوای این نوع ارتباط، تفاوت‌هایی با وحی نبوی دارد که توجه به آن‌ها موانع درک این فضیلت را برطرف می‌کند. انسان‌ها می‌توانند به مقامی بالاتر از ملائکه برسند، چراکه جایگاه و جنس انسان از ملائکه بالاتر است و این امکان برای انسان‌های صالح نیز وجود دارد تا توفیق الهی نصیبشان شود که از طریق انس با اهل بیت نبوت (علیهم السلام) و به‌خصوص حضرت زهرا (س) به آن مقام برسند، به شرطی که بتوانند با اهل بیت نبوت همدل باشند، تا راه عالم ملائکه به قلب آنان باز شود و این لطف الهی شامل حال آنان گردد.

منابع و مأخذ:

کتاب‌ها

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل أبي طالب. قم: علامه.
- ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۰ق). لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله. (۱۳۸۷). عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الايات و الاخبار و الاقوال. قم: مؤسسه الامام المهدي.
- بخاری، محمدبن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- (۱۳۸۸). آداب الصلوه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- (۱۳۸۲). شرح حدیث جنود و عقل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). مفردات غریب القرآن. تهران: دفتر نشر کتاب.
- صدوق، محمدبن علی. (۱۳۸۵). من لایحضره الفقیه. محمدجواد غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صفارقمی، محمدبن حسن. (۱۴۰۴). بصائر الدرجات. میرزامحسن کوچه باغی. تهران: مؤسسه الاعلمی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن. احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر عیاشی. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۴). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، عباس. (۱۳۷۶). فیض القدر فیما یتعلق بحدیث الغدیر. قم: دفتر تبلیغات.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۷). الکافی. علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان. (۱۴۱۴). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مقالات

- طیبی، ناهید. (۱۳۷۷). «حضرت مریم(س) نماد نیایش». فرهنگ کوثر، ش ۲۲.